www.sjfm.ir

مجله پزشکی قانونی ایران

مرکز تحقیقات پزشکی قانونی

دوره ۲۸، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱، صفحات ۲۵۴ تا ۲۵۵

نامه سردبیر

جواز سقط جنین حاصل از زنا در گستره قوانین موضوعه

محمدجعفر صادق‌پور[1*] PhD

[1] گروه فقه و حقوق، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران

*نویسنده مسئول: محمدجعفر صادق‌پور، پست الکترونیک: Mohammad.sadeghpour@sku.ac.ir

تاریخچه مقاله: دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۲ پذیرش: ۱۴۰۱/ ۱۱/۱۴ انتشار برخط: ۱۴۰۱/۱۲/۰۳

How to cite: Sadeghpour M. Permissibility of abortion resulting from adultery in the scope of current laws. Iran J Forensic Med. 2023;28(4):254-5.

سردبیر محترم؛

جواز سقط جنینِ حاصل از زنا، در هیچ یک از مقررات و قوانین کنونی کشور، به صورت صریح پذیرفته نشده است. در عین حال، شاید بتوان بر مبنای ماده ۵۶ قانون جوانی جمعیت و حمایت از خانواده، به جواز سقط در برخی از فروض این مسئله معتقد شد. وفق این ماده، در دو صورت کلی امکان صدور مجوز سقط وجود دارد که عبارتند از «خطر جانی» و «تحقق حرج» برای مادر. پرسشی که در اینجا پیش می‌آید این است که آیا می‌توان در فرضی که جنین، حاصل از رابطه نامشروع باشد، سقط آن را ذیل دو صورتی که در بالا ذکر شد، گنجانید یا اینکه مفاد این ماده صرفاً ناظر بر بیماری مادر یا جنین است که موجب خطر جانی یا حرج می‌شود؟ در پاسخ به این پرسش، احتمال استناد به ۳ فقره مختلف ماده مذکور بررسی می‌شود.

۱- استناد به بند (الف) ماده (۵۶): در بند الف ماده ۵۶ نخستین مورد جواز سقط به قرار زیر دانسته شده است: «درصورتی که جان مادر به شکل جدی در خطر باشد و راه نجات مادر منحصر در سقط جنین بوده و سن جنین کمتر از ۴ ماه باشد و نشانه ها و امارات ولوج روح در جنین نباشد.» در این مقرره، فارغ از شرایطی که برای صدور مجوز بیان شده، تصریح شده که اگر «جان مادر به شکل جدی در خطر باشد» می‌توان مجوز سقط را صادر کرد. در مسئله جنین ناشی از زنا، اگر حالتی پیش آید که جان مادر به واسطه اقتضائات فرهنگی، خانوادگی و قبیلگی در خطر باشد، آیا نمی‌توان مقرره فوق را ناظر بر آن دانست؟ مانند اینکه دختری در پی ارتکاب زنا، آبستن شده و اگر خانواده او از این مطلب مطلع شوند، او را خواهند کشت. به نظر می‌رسد از آنجایی که در مقرره فوق عاملِ در خطر افتادن جان مادر مقیّد به موارد خاصی مانند مشکلات مربوط به سلامت نشده، به هر عاملی که جان مادر به خطر افتد، امکان تمسک به این فراز از مقرره فراهم است و اطلاق این فراز، همه مواردی که جان مادر در خطر جدی است و از جمله مسأله فرزند نامشروع، را در برمی‌گیرد. این تلقی همسو با برخی فتاوای مراجع معظم تقلید نیز هست [۱]. اما با این وجود، یک نکته بسیار مهم در این مقرره وجود دارد که توجه به آن موجب تجدیدنظر در گستره استنتاج فوق می‌شود. اگر اندکی دقیق‌تر به این فقره نگریسته شود، جواز سقط جنین ناظر به حالتی دانسته خواهد شد که خطر جانی برای مادر «محقق» شده نه «متوقَع» باشد؛ زیرا تصریح شده «جان مادر به شکل جدی در خطر باشد». باتوجه به این مهم و با عنایت به اینکه جواز سقط در این فرض مشروط به این شده که «سن جنین کمتر از ۴ ماه باشد و نشانه‌ها و امارات ولوج روح در جنین نباشد» آیا واقعاً می‌توان فرضی را تصور کرد که جنین هنوز به چهارماهگی نرسیده و طبیعتاً به گونه‌ای نیست که اطرافیان از ماجرا مطلع شوند، اما در عین حال خطری مادر را تهدید کند؟ روشن است در اغلب موارد که مادر به نامشروع باردار شده، خطر جانی (بر فرض وجود) از زمانی قابل طرح است که اطرافیان به مسئله واقف شوند.

۲- استناد به بند (ب) ماده (۵۶): یکی از موارد جواز سقط جنین که در بند (ب) ماده ۵۶ آمده ناظر به مواردی است «که اگر جنین سقط نشود مادر و جنین هر دو فوت می‌کنند». ممکن است یکی از مصادیق این ماده حالتی قلمداد شود که شخصی مرتکب زنا شده، باردار شده و اکنون اگر جنینش را سقط نکند، خودش و طبعاً حملش

Copyright © 2023 The Author(s); Published by Legal Medicine Research Center. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

توسط بستگان او کشـــته خواهند شد. اما واقعیت این است که این مقرره را نمی‌توان ناظر بر حالت فوق دانســت، زیرا استفاده مقنن از تعبیر «فوت می‌کنند» ظهور در این امر دارد که موضوع آن، مسائل طبیعی حوزه ســلامت بوده و حالتی که به علت مســائل فرهنگی و تعصبات خانوادگی، مادر و جنین او «کشــته می‌شــوند» تخصصاً از این ماده خارج است.

۳- **استناد به بند (ج) ماده ۵۶:** بند (ج) ماده ۵۶ مصداق دیگری را برای جواز ســقط جنین بیان کرده که عبارت است از فرض «وجود حرج (مشــقت شــدید غیرقابل تحمل) برای مادر». تمسک به این فقــره از مقرره زمانی ممکن اســت که باردار شــدن مــادر به طفل حاصــل از زنا، او را در وضعیتی قرار دهد که بتوان بر آن «مشــقت شــدید غیرقابل تحمل» اطلاق کرد. به عنوان مثــال، زنِ باردار در چنان وضعیت روحی قــرار گیرد که به اصطلاح عامیانه «جانش به لب آید» و در ســختی طاقت‌فرســا و غیرقابل تحملی فرو اُفتد. اگر حقیقتاً زن باردار شده از ارتباط نامشروع در این وضعیت قرار گرفت آیا امکان صدور مجوز ســقط برای او وجود دارد؟ علاوه بر شرایطی که در بند (ج) برای جواز ســقط ضروری دانسته شده، توجه به سه نکته مهم در اینجا ضروری است:

۱- گرچه به جهت فقهی، حرج اســتقبالی، می‌تواند مسقط تکلیف باشد اما مستظهر از ماده (۵۶) این است که حرج باید تحقق یافته باشــد و به تعبیر مقنن «وجود» داشــته باشــد. بدین‌معنا که مادر هم‌اکنون در مشقت شدید غیرقابل تحمل قرار گرفته باشد. بنابراین اگر وجود جنین نامشــروعی که ۳ یا ۴ماهه است، هم‌اکنون چنین مشقتی را بر مادر طبیعی خود تحمیل نکند، بلکه در آینده حرج‌آور باشــد (مثلاً زمانی که بارداری مشــهود شــود یا تولد صورت گیرد) امکان تمسک به این مقرره نیست.

۲- ممکن اســت شرط تمســک به حرج توسط مادر این تلقی شود که حرج، ناشی از بیماری، ناهنجاری یا نقص جنینی باشد نه اینکه مانند فرض فوق، حرج، ناشــی از نامشروع بودن جنین باشد. اما به نظر ما، چنین شــرطی با توجه به مفهوم شــرط سوم بند (ج) قابل انکار اســت، زیرا در این ماده تصریح شــده که «وجود قطعی و غیر قابل درمان بودن ناهنجاری‌ها» در فرضی شــرط اســت که «حرج مربوط به بیماری یا نقص در جنین باشــد» و این بدان‌معناست که می‌تــوان فرض کرد که حرج، مربوط بــه بیماری یا نقص در جنین نباشد.

۳- با این همه، به نظر می‌رســد تمســک به حرج توسط مادری که به‌نامشــروع باردار شــده، از نظر فقهی قابل نقد است. زیرا لاحرج از قواعــد فقهی امتنانی اســت [۳، ۲] و نمی‌توان معتقد شــد چنین امتنانــی در حق شــخصی که خود زمینه فــرو اُفتادن خویش را در حــرج، ایجاد کــرده وجود دارد، در حالی کــه منافی با حق جنینی است که قربانی اختیار سوء و رفتار مجرمانه ایشان شده است.

بــاری، با توجه به کندوکاوی که در ســطرهای پیشــین گذشــت، پیشــنهاد می‌شــود بدون اینکه به صورت صریح به مســئله ســقط حاصل از رابطه نامشــروع پرداخته شود تا شائبه قانون‌مند ساختن بزهکاری‌هــای منافی هنجارهای دینی و اجتماعــی پدید نیاید، بر مقنن اســت که به نحوی هوشــمندانه و مدبرانــه، متکی بر فتاوای فقهی و مبانی شرعی، به رفع خلأهای ناظر بر این مسئله بپردازد.

تأییدیه اخلاقی: موردی گزارش نشده است.
تعارض منافع: نویسنده مقاله هیچ‌گونه تضاد منافعی اعلام نکرده است.
منابع مالی: موردی گزارش نشده است.

References

1. Makarem Shirazi N. Esteftaat Jadid. Qom: Amir Al-Muminin School;1427. Vol 3. Pp. 482. [Persian]
2. Mosavi Khomeyni SR. Tahrir al-Vasilah. Qom: Dar al-'elm Matbu'at institute; (n.d). Vol 1. Pp. 401. [Persian]
3. Khuiī SAQ. Serat al-najah (al-mohasha lil Khuiī). Qom: al-Montakhab Office Publications; 1416. Vol 1. Pp.322. [Arabic]